

منافع ملی و آرمان ایدئولوژیک

علی شکوهی

آرمان‌هایی مانند حفظ استقلال و تن ندادن به سلطه ابرقدرت‌ها، گسترش فرهنگ اسلامی و دعوت ملت‌های مسلمان به کسب قدرت سیاسی و نفی حاکمیت دولت‌های غیردینی و وابسته، دفاع از مظلومان و تلاش برای صدور انقلاب اسلامی و مواردی از این دست، بخشی از اصولی است که سیاست خارجی انقلابی را در چهار دهه گذشته تعیین کرده اما در عین حال مقوله «منافع ملی» هم از اصول محوری دیگری است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی را رقم زده است. منافع ملی در واقع عنوان کلی است که موضوعاتی مانند امنیت ملی، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، پیشرفت و توسعه همه‌جانبه و استقلال سیاسی را شامل می‌شود. برای همه کشورهای جهان، اصل مهم و تعیین‌کننده در سیاست خارجی، تامین منافع ملی است و غالب دولت‌ها، هیچ آرمانی فراتر از مرزهای جغرافیایی را مدنظر ندارند. البته برخی از کشورها بر اساس نگاه سلطه‌جویانه رهبران و برخورداری از قدرت اقتصادی و موقعیت استراتژیک و نیز به دلیل همبستگی اعتقادی و سیاسی با دیگر کشورها، منافع ملی خود را در بیرون از مرزهای جغرافیایی کشور هم تعریف می‌کنند و این به‌خصوص در دوران جنگ سرد در همه جا قابل رویت بود. در آن دوران شوروی منافع ملی و آرمانی خود را در دفاع از همه کشورهای سوسیالیست دنیا و احزاب کمونیستی و جنبش‌های استقلال‌طلب و نهضت‌های کارگری جهان تعریف می‌کرد و آمریکا و اروپا هم متعهد شده بودند که از ارزش‌های مورد قبول جهان آزاد و سرمایه‌داری دفاع و مبارزه با نفوذ کمونیسم را یک امر مرتبط با منافع ملی خود قلمداد کنند. در جمهوری اسلامی هم این دو دسته منافع مطرح است. ما از سویی باید منافع ملی ایران را پاس بداریم و از سوی دیگر منافع ایدئولوژیک و آرمانی هم مدنظر سیاست‌گذاران کشور است. پرسش محوری این است که در چند دهه گذشته ما با کدامین منطق عمل کردیم و این دو دسته منافع را چگونه پی گرفته‌ایم؟ در مواضع امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای این دو دسته از آرمان‌ها، مطرح و در تعیین سیاست‌های کلان حوزه سیاست خارجی هم مورد توجه بوده‌اند. شاید اهداف ملی و حفظ و تثبیت قدرت سیاسی در ایران بیشتر به این دلیل در ردیف اهداف اصلی سیاست خارجی آمده باشد که در جهان کنونی تنها در ایران یک «انقلاب اسلامی بالفعل موجود» را شاهدیم و در دیگر کشورها هنوز جنبش اسلامی به

کسب قدرت سیاسی توفیق نیافته است. طبعاً مادامی که انقلاب اسلامی در صورت دولت سیاسی‌اش در مرزهای ایران محدود است و حفظ اقتدار آن ضرورت دارد، حفظ مصالح نظام، يك مقوله سیاست خارجی نیز محسوب میشود همان‌گونه که توجه به صدور انقلاب و آرمان‌های جهانی آن با امنیت ملی پیوندي وثيق می‌یابد.

اولویت با «اهداف ملی» است یا «آرمان‌های انقلابی؟»

در چند دهه گذشته، از این منظر به انقلاب اسلامی ایران توجه شد که این انقلاب همزمان هم «اسلامی» است و هم «ملی». از بعد اسلامی بودن، انقلاب ما به خارج از مرزها توجه دارد و از بعد ملی بودن درصدد حل مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور است. آیا در هر شرایطی می‌توان به برآورده شدن همزمان هر دو دسته از اهداف انقلاب، امید داشت یا اینکه باید اولویت‌بندی کرد و مثلاً حفظ قدرت و عمران کشور و توسعه اقتصاد ملی را مقدم بر آرمان‌های برون مرزی انقلاب اسلامی مدنظر قرار داد؟ واقعیت این است که انقلاب اسلامی ایران در چهار دهه گذشته، ماهیتاً به بیرون از مرزها چشم دوخته است زیرا علاوه بر درونمایه جهانی اسلام، مسلمانان جمعیتی بیش از يك میلیارد نفر را تشکیل می‌دهند که در کشورهای مختلف پراکنده‌اند. به نظر رهبران جمهوری اسلامی، این جمعیت انبوه در صورت آگاهی به ابعاد اسلام حقیقی و با بازگشت به هویت اسلامی خویش می‌تواند نظم سیاسی و اقتصادی حاکم بر جهان را به نفع مسلمانان عالم تغییر بدهد و دست استکبار و ابرقدرت‌ها را از منابع مادی و انسانی مسلمین کوتاه کند. با این نگاه قطعاً یکی از اهداف اساسی انقلاب اسلامی صدور فرهنگی انقلاب به کشورهای مسلمان برای آزادسازی نیروهای مردمی در راه به دست‌گیری قدرت سیاسی است. در عین حال تا زمانی که انقلاب، محصور در مرزهای جغرافیایی ایران است، جنبه‌های اسلامی و ملی منافع عمدتاً بر یکدیگر منطبقند زیرا تامین منافع ملی، همزمان تامین منافع تنها انقلاب اسلامی بالفعل موجود در جهان نیز محسوب می‌شود.

در چهار دهه گذشته، سیاستی مبنا بوده است که مطابق آن محصور کردن انقلاب در مرزهای جغرافیایی کشور و فراموش کردن اهداف برون مرزی و ماوراملی و... می‌تواند به مرگ انقلاب بینجامد. مطابق این نظر، تامین اهداف ملی نمی‌تواند حیات درازمدت انقلاب را تضمین کند و حتی اگر بخواهیم به صورت کامل به جنبه داخلی بپردازیم و اهداف مربوط به آن را جامه عمل بپوشانیم، باز هم ناچاریم حالت تهاجمی انقلاب را حفظ کنیم و با کوتاه کردن دست ابرقدرت‌ها از سر ملتها، تامین حقوق و منافع آنان را میسر سازیم. طرفداران این نظریه به جد معتقدند که هیچ انقلابی به تنهایی قادر به مبارزه با امپریالیسم و کسب

